

تئوری پنجره شکسته

شایان غدیری قطعا از سرمایه های آینده روانشناسی مملکت است که من در دوره ارشد روانشناسی بالینی ، معلمش بوده ام و این روزها به من در تیم پرسش و پاسخ خانه توانگری کمک میکند سوالات مردم را پاسخ دهیم، مطلب زیر را او برایم فرستاده و برایم بسیار جالب بود و امیدوارم من و همکارانم در خانه توانگری ، در تله این داستان سقوط نکنیم



ساختمان خالی از سکنه‌ای را در کنار یک خیابان پر رفت و آمد، در حالی که شیشه‌ی یکی از پنجره‌هایش شکسته است تصور کنید. مشاهده‌های علمی نشان می‌دهد که اگر پنجره شکسته ظرف مدت کوتاهی، تعمیر نشود، عابران این پیام را از ساختمان می‌گیرند که کسی نگران ساختمان نیست و نظارتی وجود ندارد. پس شیطنت شروع می‌شود و پنجره‌های سالم ساختمان مورد هدف قرار می‌گیرند و ساختمان تغییر شکل می‌دهد و البته ادامه این روند می‌تواند منجر به ورود میهمانان ناخوانده به ساختمان بی‌صاحب شود و آثارش از سطح به عمق نفوذ کند. اتفاقی که در اشکال مختلف شاهد آن بوده‌ایم.

توصیف فوق، خلاصه‌ای است از یک نظریه جرم‌شناسی به نام «[پنجره شکسته](#)». نظریه‌ای که در دهه هشتاد و نود میلادی به کمک شهردار نیویورک آمد تا جرم‌خیزترین مترو جهان را که شهر زیرزمینی خلافکاران و اشرار به حساب می‌آمد سر و سامان بدهد. شهرداری نیویورک، در اولین اقدام خود به بازسازی واگن‌های مترو پرداخت و دستور داد تا واگن‌هایی که طی روز با اسپری رنگ، نوشتن یادگاری و... آسیب می‌بینند، شبانه از خط خارج شوند و تا صبح روز بعد رنگ‌آمیزی و تعمیرشده به خط برگردند. در واقع همه این کارها، یک پیغام داشت؛ حواسمان به همه چیز هست و هیچ خلاقی را تحمل نمی‌کنیم و این چنین بود که مترو ناامن نیویورک تبدیل به یکی از امن‌ترین متروهای جهان شد.

اکنون استفاده از تئوری پنجره شکسته در زندگی شخصی و تربیت کودک و تجارت و کسب‌وکار، کارآیی دارد

پنجره‌های شکسته را بیابیم و تعمیر کنیم . مطمئن باشید اوضاع بهتر خواهد شد

پنجره های شکسته کار و زندگی ما کجاها هستند

در اقتصاد، پس نگرفتن جنس فروخته شده یا معطل شدن پشت تلفن برای راهنمایی گرفتن برای تعمیر یک وسیله و شنیدن چند باره موزیک انتظار، نوعی از پنجره شکسته است

پی نوشت از ویکی پدیا: این نظریه در سال ۱۹۸۲ توسط جیمز کیو. ویلسون و جرج ال. کلینگ در

مقاله‌ای معرفی شد. پس از آن بحث‌های زیادی در [علوم اجتماعی](#) و مجامع عمومی درگرفته است. این تئوری به عنوان یک انگیزه برای اصلاحات در سیاست [جنایی](#) به کار گرفته شده است. مطالعات تجربی زیادی درباره تئوری پنجره شکسته انجام شده است

خدا پشت سختیهاست نه بدبختیها

خیلیها بد زندگی میکنند و انتظار دارند اتفاقات خوب برایشان رخ دهد، خیلیها معاشرتهای اشتباه با آدمهای اشتباه دارند و توقع دارند کم کم خنگ نشوند! خنگی و پخمگی محصول معاشرت با آدمهای بازنده هم هست، استاد عجمی نقل زیبایی دارند که خدا پشت سختیهاست و نه بدبختیها، بدبختی همانست که در زندگیمان می‌آوریم و فکر میکنیم بناست خدایی در انتهای مسیر با آغوش باز منتظرمان باشد، و عجباً بر این دلخوش کنك مخرب!



استاد حمید عجمی ، استاد مسلم مثنوی و معارف اسلامی ، مبدع خط معلی در هنر اسلامی میهمان برنامه ایمان و توانگری 94 بودند و درسهای زیبایی برایمان فرمودند.

- فایل صوتی مراسم را [اینجا](#) گوش کنید یا [اینجا](#) download کنید.
- فایل تصویری مراسم را [اینجا](#) ببینید

#ایمان_توانگری #حمید_عجمی

Photo:@sharifi5171 علیرضا شریفی

-
- [سخنرانی دکتر شیری و سید سهیل رضایی درباره تقدیر و دعا](#)
 - [کلیه فایلهای صوتی و تصویری ایمان و توانگری 94](#)

ایمان و توانگری ۹۴ برگزار میشود- از دوشنبه

۱۵ تیر



” إن لربکم فی آیام دهرکم **نفعات**، فتعرضوا لها لعله أن یصیبکم نعمة منها فلا تشقون بعدها أبدا “

رسول اکرم : پروردگارتان را در روزگار شما **نسیم** هایی هست ، خود را در معرض آن قرار دهید که چه بسا با آن نسیم هرگز به رنجوری نیفتید

بنا به سنت دهساله و توفیق الهی ، امسال نیز برنامه ایمان و توانگری و سلسله جلسات نسیم را افتخار داریم که میزبان شما باشیم

برنامه :

- دوشنبه 15 تیر ماه : دکتر شیری- دکتر ناصر عمادی (متخصص پوست که بیماران ایدز را در افریقا رایگان درمان میکند) - مجید عزیزی (مستند ساز با پخس فیلمهای برگزیده)
- سه شنبه 16 تیر : شب قدر - استاد سهیل رضایی- دکتر شیری- خانم دکتر عباسی
- چهارشنبه 17 تیر : **استاد حمید عجمی**، مبدع **خط معلی** در هنر اسلامی با موضوع باطن زیبایی در اسلام- دکتر شیری
- پنجشنبه 18 تیر : شب قدر

- مکان : میدان ونک ، اتوبان حقانی، پس از جهان کودک ، خیابان دیدار جنوبی ، جنوب پارک اب و آتش، ساختمان سازمان بنادر کشور- آمفی تئاتر
- ساعت 22:15 الی 24:30
- با توجه به شلوغی پارک اب و آتش و کمبود محل پارکینگ ، تعداد 50 پارکینگ مخصوص شما بزرگواران علاقه مند برنامه ایمان و توانگری در محوطه سازمان بنادر ، تعبیه شده است که میدانیم محدود است ولی غنیمت میباشد، صبوری شما را ارج مینهیم



نمای بیرونی ساختمان سازمان بنادر و امور دریایی ایران



نمونه دستخط معلی - استاد حمید عجمی

▪ ایمان و توانگری ، فایل صوتی رضا امیرخانی (زیبایی معنوی) + دکتر
عمادی (خاطرات)

فایل یک و نیم ساعته شب ایمان و توانگری از صحبت‌های رضا امیرخانی و دکتر عمادی
درباره زیباییهای معنوی

▪ خصوصی: چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی (مراسم پایانی ایمان
و توانگری ۹۳)

شب آخر تقریباً همه بودند ، دکتر عباسی و دکتر ادبی به زیبایی درباره خضر نبی صحبت
کردند ،

▪ ایمان و توانگری ۲۸ ، شبی که هرگز از یادمان نخواهد رفت

شب ایمان و توانگری 28 عجیب بود، همه میگرسیتند در برابر بزرگی زیبای زندگی مردان این
سرزمین

▪ ایمان و توانگری ۹۳ : بحث "دین داری و فردیت (و۱) دکتر شیری

سخنرانی دکتر شیری را در برنامه ایمان و توانگری شب 19 ماه مبارک پیرامون فردیت و دین
داری در فرهنگسرای ارسباران ، اینجا به مدت 44 دقیقه گوش کنید

▪ دل نوشته های سحری ۱۶- متن پیاده شده سخنرانی "ایمان و توانگری دکتر شیرینی شب ۲۱"

به سمع و نظرتون رسید که تاریخچه انسان پر است از تجربیات عجیب. همچنین ،خدمتتون عرض شد که اونچه که تبیین می کنه و به زندگی انسان معنا می بخشه مجاورت با زیبایی است. بنای ما بر این نیست که در این شب ساحت فلسفی به بحث بدهیم بلکه فقط بسنده می کنیم که اگر برهانی هست، این برهان را در پیش بگیریم. به عرض رسید که مجاورت با زیبایی انسان را نرم و مجاورت با نا زیبایی انسان را تلخ می کند.

▪ دل نوشته های سحری ۹- مراسم "ایمان و توانگری" شب ۲۱ و ۲۳

توانگر "تدبیر" میکند و "تقدیر"ش ، "تغییر" میکند انا انزلناه فی ليله القدر را اینگونه ادراک میکند که چنین شبی را به "تفکر" بگذرانند و نه فلسفه بافی های راهزن امید و معما

▪ دو پیاله مثنوی- مکر عالم- ایمان و توانگری ۹۲

همانا در در روزگار زندگی شما نسیم‌هایی از سوی پروردگارتان می‌وزد. خود را در معرض آنها قرار دهید، باشد که چنین نسیمی سبب شود که برای همیشه بدبختی از شما دور ماند؛

ایتالیا به آیدین ارجمندی ،برنده ایرانی یکی از بزرگترین جوایز طراحی جهان ، ویزای دریافت جایزه اش را نداد

بخشی از گفتگویم با آیدین ارجمندی

▪ آخرین مقامی که در رشته ی کاریکاتور داشتم جایزه ویژه ی پنجمین جشنواره بین المللی خرسون اوکراین و بعد از اون مدال نقره ی A'Design award 2015 بزرگترین جایزه ی طراحی جهان رو که در هر سال در شهر کومو در ایتالیا برگزار میشه ، بردم.

▪ من تا بحال 9 جایزه ی ملی و بین المللی در رشته های کاریکاتور و design داشتم و در بیشتر از 20 نمایشگاه بین المللی شرکت کردم.

▪ جایزه ی A'Design در زندگی حرفه ای من نقطه ی عطفی شد و بازار کارم رو به کشور های اروپایی و حتی امریکای جنوبی گسترش داد.



زندگی جالب آیدین ارجمندی (طراح افتخاری خانه توانگری) برای من که هفته ای یک روز مدیرش هستم جالبه و این اواخر یک اتفاق دارد که تلخ تر از آنیست که یک ایرانی بتواند تحمل کند :



من دقیقا روزی را که او e-mail برگزیده شدنش را در یکی از بزرگترین مسابقات طراحی جهان ، دریافت کرده بود، به یاد دارم، آروم اومد تو اتاقم و از سازی جدید در موسیقی جهان گفت که با الهام از ساز سنتی ایرانی طراحی کرده و در ایتالیا واجد بهترین جایزه شده ؛ و هممون از خوشحالی داد میکشیدم !

این شادی دیری نپایید زیرا نه تنها به او ویزا داده نشد بلکه جایزه اش نیز اون طوری که باید و شاید به دستش نرسید. فکر میکنم آقایانی که معتقدند تحریمها هیچ اثری نداشته ، توجه ندارند که چقدر با فرزندان این خاک برخوردهای تحقیر آمیزی در کشورهای پیشرفته صورت میگیرد که هرگز با یک جوان اسرائیلی جرات چنین برخوردی را ندارند !

الغرض گفتگوی من با آیدین به عنوان یکی از نوابغ کاریکاتور ، طراحی صنعتی و گرافیست چند دقیقه شیرین برای شما فراهم می آورد

از خودت بگو :

آیدین ارجمندی متولد 27 اسفند 1366 ... وسط بمباران های تهران!

از سال 86 کار طراحی گرافیک رو به شکل حرفه ای شروع کردم... سال ها برای دل خودم کار میکردم و از نوجوونی کار با نرم افزار های گرافیکی رو شروع کردم. وقتی در مورد آغاز فعالیت حرفه ای صحبت می کنم ، منظورم رسیدن به مرتبه ی کیفی خاصی نیست در مورد اون لحظه ای صحبت می کنم که از طریق طراحی درآمد پیدا کردم یا عامیانه بگم ” پول در آوردم!“



یکی دو سال تو حوزه ی گرافیک فعال بودم و مهم ترین اتفاقی که پیشرفتم رو تضمین میکرد علاقه ی بیش از حدم به یادگیری نرم افزار های روز گرافیکی بود... (هیچ وقت یادم نمیره که اولین ورژن نرم افزار 3D Max که روی سیستم نصب کردم 2.5 بود) بعد از مدتی از طرف وزارت علوم پیشنهاد ساخت یک تیزر تبلیغاتی رو گرفتم که تجربه ی فوق العاده ای برام بود و پای من رو علاقه بر طراحی گرافیک به موشن گرافیک، تدوین و انیمیشن هم باز کزد.

از وقتی دبستانی بودم پنجشنبه به پنجشنبه که مجله ی گل آقا در میومد شروع میکردم به کپی کردن کارتون ها و کاریکاتور های علی رادمند. کاریکاتور رو کم کم ادامه دادم تا سال 88 در سایت تابناک فعالیت حرفه ایم رو به عنوان کارتونیست شروع کردم.

یک توضیحی راجع به فرق کارتون و کاریکاتور بده یاد بگیریم درستش چیه

جالبه خیلی های از من این سوال رو میپرسن!

کارتون یک جور ادبیات طنز تصویری بینی کارتونیست در غالب تصویر و یا حتی با اضافه کردن نوشته و پیام موضوعی رو به طنز میکشه و بعد محتوای پیامی اثر خیلی مهمه. عمده ی تصاویری که در مجلات توسط مردم به عنوان کاریکاتور شناخته میشه کارتون هستن!

کاریکاتور بحث غلو بصری در چهره ی افراده و بعد تکنیکی و بصری کار خیلی مهمه و چیزی که اون رو ارزشمند تر میکنه شباهت چهره ی غلو شده و انتزاعی به شخص مورد نظره!



کشتار کارکاتوریهستهای فرانسه

کار حرفه ای به عنوان تصویر ساز در حوزه ی نشریات و تبلیغات رو هم حدودا از همون سال ها شروع کردم. تصویر سازی هم خلق اثری بصری مرتبط با موضوع مورد درخواستی که الزامی نداره حتما حالت طنز داشته باشه و در واقع کارش روایت یه بخشی یا کل یک محتواست.



در کنار این ها با دانشی که از رشته ی تحصیلیم طراحی صنعتی در مقطع فوق لیسانس داشتم طراحی محصول و طراحی داخلی رو هم شروع کردم و تجربیات زیادی رو از طراحی محصول و بسته بندی تا طراحی نما و داخلی پیدا کردم.

- من تا بحال 9 جایزه ی ملی و بین المللی در رشته های کاریکاتور و دیزاین داشتم و در بیشتر از 20 نمایشگاه بین المللی شرکت کردم.
- آخرین مقامی که در رشته ی کاریکاتور داشتم جایزه ویژه ی نئجمن جشنواره بین المللی خرسون اوکراین و بعد بعد از اون مدال نقره ی A'Design award 2015 بزرگترین جایزه ی

طراحی جهان رو که در هر سال در شهر کومو در ایتالیا برگزار میشه رو بردم.
▪ جایزه ی A'Design در زندگی حرفه ای من نقطه ی عطفی شد و بازار کارم رو به کشورهای اروپایی و حتی امریکای جنوبی گسترش داد.

هرچند که قسمت شیرین گرفتن این جایزه با کارشکنی سفارت ایتالیا در صدور ویزا تلخ شد. اون هم درست روز قبل از سفر در حالی که بلیت میلان در دستم بود و چمدون هم بسته به سفارت رفتم تا ویزایی که به علت اعتبار دعوت کننده ، مطمئن به دریافتش بودم ، اما با برخورد بد کارمند سفارت پاسپورت رو به من تحویل دادند و با دادن برگه ای که روش نوشته شده بود عدم اطمینان از قصد بازگشت شما به کشور ، ویزای من رو صادر نکردند.

وقتی در دفاع از خودم توضیح دادم که “من اینجا کار و زندگی دارم و به دعوت خودتون و فقط برای دریافت جایزه قصد سفر داشتم” خیلی تند رو به من کردن و گفتن خوب میری دیگه بر نمیگردی... و در پاسخ من که فقط گفتم آخه... سریع گفتن ما نمیدونیم دستور مستقیم کنسوله!!!

اتفاقا چند روز پیش در مورد همین داشتم جایزه با اپک تایمز ایتالیا مصاحبه میکردم جریان رو با تمام جزئیات به خبرنگار مطرح ایتالیایی ماسیمیلیانو روسانو توضیح دادم و اون در همین رابطه با سفارت ایتالیا در تهران تماس گرفت.

متاسفانه کنسول هم که انتظار این تماس رو نداشته گفته ما خیلی بررسی کردیم و به نظرمون رسیده این فرد ریسک بالایی برای رفتن و موندن داره! و در مورد اینکه چرا یک طراح شناخته شده در ایران که موقعیت خوبی در ایران داره باید به شکل غیر قانونی به کشور دیگه ای مهاجرت کنه توضیحی نداد و فقط گفت به دلایل امنیتی از صحبت در مورد اشخاص ثالث معذوره!

در حال حاضر در کنار فعالیت هایی که در حوزه ی دیزاین و تبلیغات دارم، روی ساخت سازی که اختراع کردم به نام چلوریدو که یک سازی بادی-زهی هست کار میکنم. این ساز قرار هست در اکتبر امسال با اجرای چمبر ارکسترای استرالیا در اپرا هاوس سیدنی رونمایی بشه.

=====

از دیدن خواهش کرده ام برای علاقه مندان به مهارت طراحی های پوستری و کارگاه ایده خلاق ، یک کلاس تعریف کند که در موسسه برگزار کنیم

با آدم ضعیف تر از A%

با آدم ضعیف تر از خودت که پینگ پونگ بازی کنی،
بعد نیم ساعت بازیت به گند کشیده میشه؛
برای قدرت بیشتر نباید حتی يك دقیقه با آدمهای بی انگیزه و شکست خورده و نق نقو ، وقتت را حروم کنی.
با افراد همیشه نالان و ضعیف معاشرت نکن



گاهی بی هیچ بهانه کسی را دوست داری



لازم نیست برای لذت بردن از رابطه حتما عاشق باشی، متوسطی از دوست داشتن هم خوبه ولی اگر
قلبت تکانی نمیخوره براش، نه خودت را بدبخت کن نه او را !

ممنونیم از صفحه مینیمالها که بهمون چقدر زیبایی یاد داده

انقدر دنبال یک "بانوی خاص" نگرد، خودت هم کمی "مرد" باش

آقای سرزمینم
گوش کن، به درد دل هایم گوش کن
تویی که شاید خیلی وقتها زنانگی هایم را درک نکردی
تویی که گاهی صورت جراحی شده ام را مسخره می کنی، تویی که احساس زیباپرستی ام را پوزخند
می زنی

یکبار از خودت پرسیدی چرا دختران سرزمینم اینقدر عوض شدند؟ چرا “زن” زیادتر است و “بانو” کمتر؟ چرا دختران سرزمینت بلد نیستند درست “زنانه” زندگی کنند؟

هیچگاه ترس بانوی سرزمینت را دیدی؟ ترسهایش را فهمیدی؟ فهمیدی چقدر از تنهایی می ترسد؟ از پیر شدن و زشت شدن و دوست نداشته شدن، از استقلال نداشتن و محتاج بودن، از اینکه کسی جانشینش شود، فهمیدی چقدر از “جذاب دیده نشدن” می ترسد؟

آقای سرزمینم

کاش می دانستی چقدر درد می کشم وقتی می بینم که پوشش من شده سند بهشت رفتنت درد می کشم وقتی از تمام وجودم، از فکرم، از روح زنانه ام، از همه ظرافتها و پیچیدگی هایم فقط یک نقطه بدنم را فهمیدی، دردم می آید وقتی آزادی و امنیت ندارم و حقوق شرعی ام با واژه های “عندالمطالبه” و “عندالاستطاعه” پایمال می شود دردم می گیرد وقتی بی اذن تو نه اجازه عاشق شدن دارم و نه طلاق گرفتن، آنوقت تو برای حفظ کیان خانواده اجازه ازدواج دوباره داری، و گاهی هم در خلوت خودم از جاذبه های زنانه ام خجالت زده ام که مبدا دلی لرزیده باشد

آقای سرزمینم

وقتی بانوی این دیار احساس نا امنی کرد عوض شد امنیتش را نه در عشق و دلدادگی های محکم و مردانه تو که در جراحی های زیبایی و مردانه زیستن دید

وقتی امنیتش شد در “خانم نبودن” آنوقت بود که عوض شد وقتی دنیای تو مردانگی را برتری خواند، احساس زن را ضعف عقل خواند و لطافت جسمش شد نشان ضعیفه بودن

ما هم یاد گرفتیم که در دنیای مردانه، برای امنیت باید “مردانه” زنانگی مان را زندگی کنیم و بجنگیم

آقای سرزمینم

نسل من “مرد” می خواهد آرامش من در اقتدار توست نه پول و ماشینت مرا با نام خودم صدا بزن نه از ورای دنیای خودت عشق برای زن نه هوس است نه نادانی، معنایش ماندن تا پای جان است با زن روراست باش و زنانگی هایش را بفهم تا تمام دنیایش را بی منت به پایت بریزد

آقای سرزمینم

انقدر دنبال یک “بانوی خاص” نگرد، خودت هم کمی “مرد” باش...

۷۹% مردم ایران از اینکه در ایران زندگی میکنند احساس غرور ندارند



قلبم درد میکند

– تنها 22% ایرانیان در زندگی اجتماعی خود عشق دریافت کرده اند و 78% محبت کافی دریافت نمیکنند
– تنها ۱۲٪ مردم ایران برای زندگی خود، معنایی تعریف کرده اند؛ ۴۰٪ در این راه سخت میکوشند و ۴۸٪ ناکام مانده اند.
– 79% مردم ایران از اینکه در ایران زندگی میکنند احساس غرور ندارند.
– ایران پس از عراق بیشترین کشوری است که مردمش در روز خشم و عصبانیت و اندوه تجربه میکنند
مرجع : بررسی شاخص نیک بودی (رضایت از زندگی) در 160 کشور دنیا در سال 2013 توسط موسسه گالوپ و موسسه هلنویز

مجله #نگاه_نو در شماره جدیدش به بحث جالب “کیفیت زندگی”، ورود کرده است و انصافاً هم مباحثی جدید را مطرح کرده است: در مقاله ای به قلم شهیندخت خوارزمی بحثهای مفیدی درج کرده است:
موسسه گالوپ و موسسه سلامتی هلنویز از سال 2008 شاخصی تعریف کرده اند به نام شاخص نیکبودی well being index که بر 5 نکته استوار است :

- 1- داشتن هدف و انگیزه برای تحقق آن
- 2-روابط اجتماعی و عشق
- 3- وضعیت مالی بدون نگرانی
- 4- احساس غرور ملی . محلی
- 5-سلامت جسمانی

قلبم درد میکند ...

شب قصه ۹۴ با حضور محمدرضا فروتن

شب قصه 94

سالی که گذشت در کمال حیرت برنامه شب قصه نگذاشتیم؛ در عوض در سال 94 چند تا میگذاریم که لذت ببرید. تو شب قصه مردان و زنان این سرزمین میایند و قصه های زندگی های واقعی مردمان این دیار را تعریف میکنند، رضا امیرخانی، نیکی کریمی و محمدرضا شعبانعلی و سیدسهیل رضایی را در شب قصه های 1 و 2 و دیدید و در شب قصه های جدید با چهره هایی بسیار دوست داشتنی روبرو خواهید شد.



پسر رسا و محمدرضا فروتن عزیز

سال ۸۶ دوره شخصیت شناسی به شیوه آرکتایپ درس میدادیم تو فرهنگسرای سرو که يك جلسه را اختصاص دادیم به بررسی کاراکترهایی که محمدرضا فروتن عزیز بازی کرده بود؛ دیشب بهم گفت که تز فوق لیسانس روانشناسیش را درباره نوجوانان کار کرده است؛ وقتی از برنامه #شب_قصه برایش گفتم خواهش کردم میهمان برنامه شب قصه ۹۴ باشد و با شوق گفت حتما! پس منتظر يك شب قصه استثنایی در بهار ۹۴ با يك هنرمند روانشناس باشید که بزودی اولین آلبوم موسیقی اش را نیز خواهیم شنید اگر افرادی هستند که مناسب میدانید یا دسترسی دارید به ما خبر دهید یا لینک برقرار کنید بین ما و ایشان تا دعوتشون کنیم تو سال 94 برنامه شبهای بهاره نیز برقرار خواهد بود...نه فقط تهران بلکه شهرهای دیگر هم خواهیم آمد...

1. دی وی دی شب قصه توانگری (۲) از راه رسید .

شب قصه چیست؟ فرزندان این دیار، قصه های این تمدن را مدتهاست که کم میشنوند و به جای آن هری پاتر و سریالهای بی محتوای ترکی و کلمبیایی وقتشان را پر میکند، چه کسی قصه متفکرین و مومنین و کسبه موفق و بزرگان تمدن ایران زمین را برای ما خواهد گفت؟ این فلسفه وجودی شب قصه است.

2. گزارش طرز خرج درآمد شب قصه (۵) از زبان جمعیت امداد دانشجویی مردمی امام علی

پیشنهاد برگزاری همایش شب قصه توانگری 4 به نفع کودکان تحت پوشش جمعیت از طرف دکتر شیرینی مدیر محترم موسسه خانه توانگری طوبی پیگیری جهت بازدید و رزرو سالن برگزاری همایش (پس از بازدید از سالنهای متعدد با توجه به ویژگیهای خاص سالن اندیشه

انتخاب گردید. دسترسی آسان مجلل و نوساز بودن سالن، پارکینگ مناسب و... از ویژگیهای مهم انتخاب بودند)

3. شب قصه پنجم : ملخ خوردن و هم اتاقی یک قاتل بودن

ایده شب قصه را از تابستان عملی کردیم. هدف نشستن دور هم با بیشتر بخوانید

4. شب قصه پنجم ، قصه سرور (۴ اسفند ، شبی متفاوت)

شب قصه چیست ؟ فرزندان این دیار ، مدتهاست قصه نمیشنوند ؛ پدر و مادرها یا قصه بلد نیستند یا خسته تر از آنند که با حوصله برای فرزندان خود قصه بگویند . لذا ما با نسلی روبرو میشویم که پای PLAYSTATION و هری پاتر داره ریشه های فرهنگش را تغذیه میکند ! از این رو از تابستان تاکنون چهاربرنامه ” شب قصه ” برگزار کرده ایم که برای نوجوانان قصه بگویم و از بس بزرگسالان استقبال کردند دیگر اسمش را گذاشتیم : شب قصه توانگری با قصه هایی واقعی از عشق، ایمان، معنا، شکست و کامیابی در زندگی

5. دی وی دی جدید شب قصه توانگری (۱)

فرزندان این دیار ، قصه های این تمدن را مدتهاست که کم میشنوند و به جای آن هری پاتر و سریالهای بی محتوای ترکی و کلمبیایی وقتشان را پر میکند ، چه کسی قصه متفکرین و مومنین و کسبه موفق و بزرگان تمدن ایران زمین را برای ما خواهد گفت ؟ این فلسفه وجودی شب قصه است.

سوتی نادخ

سوتی دادیم نادخ !

یکی دو سال قبل دانشجوی خانمی داشتم تو دوره ازدواج مثبت که جنگهای با شکوهی در زندگیش برای استقلال و افتخار کرده بود ، نگرانی هایش را میدیدم و بهش دلداری میدادم که درست بوده تلاشهایش

شهریور ماه تو یه بستنی فروشی تو خیابان خرمشهر دیدمشون ، رویا خانم و نامزدش، یه مرد سن و سال خودم که رفتاری با مزه و گرم داشت

چند شب پیش دعوت شدم عروسی شون ، هر چی به همسرخانم گفتم نمیتونست با رسا آماده بشه بریم ، برادر خانم هم حوصله نداشت ، تنها کسیکه لبیک گفت مادرم بودند ، با اجازتون رفتیم عروسی و از دم در کلی تبریک گفتیم و خوش آمد شنیدیم و همچنین که داشتیم مستقر میشدیم نگاه کردم دیدم عروس خانوم چقدر عوض شده و تو دلم نمیدونستم به گریموهای سالنهای زیبایی باید تبریک گفت برای هنرشون یا تسلیت برای تغییر واقعیت !

الغرض چند دقیقه بعد که مواجه شدم با یادگار نویسی میهمانها دور عکس عروس داماد ، دیدم داماد هم یکی دیگه است ! دلم ریخت ، سریع کارت عروسی را باز کردم و دیدم آدرس را درست اومدم فقط تاریخ را به شب زودتر اومده ام !!!! جالبیش مامانم بودند که میگفتن حالا که اومدیم ، بمونیم دیگه !!!! اینجور مادر داریم ! موقع خروج از کنار جوجه ها رد شدیم چه دود و دم و عطری هم داشتن !!!! از سر شرمندگی مادر رفتیم بلافاصله رستوران نزدیک کباب زدیم!

الغرض فردا شب بنده و مامان و همسرخانم و رساخان رفتیم و خیلی هم خوش گذشت و آروم زیر گوش داماد قصه را گفتم ، غش غش خندیدیم

یادتون باشه من را دعوت کنید جشنهای عروسی و دومادی تون ، خاطره خوبی میشه ظاهر!!!!

اگر سوتی خنده دار داده اید ، برای من هم بنویسید که روسیاهی بمونه به دل ابلیس که میخواد همه دل مرده بشن